

بسم الله الرحمن الرحيم

کلام اخباریین پیرامون ملازمه

در بحث ملازمه حکم عقل و حکم شرع ؛ برخی اخباریین قایل هستند که ما ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع را ثبوتاً می‌پذیریم ، لکن در مقام اثبات روایاتی داریم که ما را از عمل به حکم عقل منع می‌کند . مرحوم شیخ(ره) در کتاب رسائل این مطلب را با عنوان «ان قلت» ذکر کرده‌اند. در این «ان قلت» مجموعاً دو شبهه از طرف اخباریین ذکر کرده اند و آندو شبهه را مورد مناقشه قرار داده‌اند. ابتدا با «ان قلت» مطلب را شروع می‌کنند ، بعد مطلب دوم را با «الا ان یدعی» بیان می‌کنند.

شبهه اول اخباریین در بیان مرحوم شیخ(ره)

مرحوم شیخ می‌فرماید اخباریین ادعا می‌کنند که ما از روایات و ادله نقلیه ای که داریم استفاده می‌کنیم که هر حکمی که از طریق سماع از معصوم (ع) نباشد وجوب اطاعت و امتثال ندارد . ما از روایات استفاده کنیم که فقط حکمی وجوب امتثال دارد و بر آن ثواب و عقاب مترتب است که از طریق سماع از معصوم باشد . برای این اشاره می‌کنند به روایات زرارة در ابواب مقدمات عبادات ، در وسائل الشیعه ، باب 29 ، حدیث 2 «لو ان رجلاً قام ليله و صام نهاره و حج دهره و تصدق بجميع ماله و لم يعرف ولاية ولی الله فتكون اعماله بدالته فيبالي ما كان له على الله ثواب» اگر کسی تمام شبها را عبادت کند و روزها را روزه بگیرد و تمام سالها را حج انجام دهد و تمام اموالش را هم در راه خدا صدقه دهد اما ولایت ولی الله – آن کسی که ولی از طرف خداوند است – را نداشته باشد و اعمالش با دلالت و امر ولی الله نباشد ، اعمالش ثوابی ندارد. مراد از «ثواب ندارد» این است که این امتثال نیست . چون جایی ثواب وجود دارد که امتثال محقق شود ، وقتی می‌گویند برای این کارها ثواب نیست یعنی اینها امتثال نشده است . از این روایت این ضابطه را استفاده می‌کنیم که برای تحقق امتثال ، باید سماع عن المعصوم (ع) باشد ، برای تحقق امتثال حتماً نیاز به واسطه بودن معصوم (ع) است . این را بعنوان «ان قلت» بیان می‌کنند و بعد دو جواب ذکر می‌کنند.

جواب اول مرحوم شیخ(ره) به اخباریین

وقتی که ما از طریق عقل قطعی، حکم خدا را بدست آوردیم ، اتباع آن واجب است و حق نداریم با این حکم عقلی قطعی مخالفت کنیم . – مرحوم شیخ(ره) این را بعنوان اصل جواب بیان می‌کنند . در حقیقت در این قسمت ، همان حرف اصلی که

در مقابل اخباریین هست را ذکر می‌کنند ، که اخباریین می‌گویند قطع حاصل از غیر کتاب و سنت حجیت ندارد ، شیخ(ره) می‌فرماید قطع ، قطع است ، وقتی گفتیم قطع ، حجیت ذاتی دارد ، وقتی از راه حکم عقلی قطعی به حکم خدا رسیدیم باید این حکم را امتثال کنیم . در حقیقت می‌شود گفت تا اینجا همان تکرار ادعای خود مرحوم شیخ(ره) و اصولیین است . این نکته را قبلاً هم گفتیم که اگر اخباریین ادعا کنند که قطع حاصل از مقدمات عقلیه اعتبار ندارد ، بدین معناست که ایشان حجیت قطع را ذاتی نمی‌دانند و آن را قابل انفکاک می‌دانند . مشهور اصولیین ، حجیت قطع را ذاتی یا بحکم عقل می‌دانند . اگر در مقابل اخباریین بگوییم حجیت قطع بحکم عقل است، می‌گویند این اول دعواست ، ما هر حکم عقلی را قبول نداریم ، هر چیزی که قطع به او پیدا کنیم برای ما اعتبار ندارد.

اگر بگویند حجیت قطع ذاتی است، باز اخباریین منکر این هستند، نه ذاتی است و نه به حکم عقل است . بنابر این قسمت از جواب مرحوم شیخ(ره) تقریباً جواب مبنايي است و مشکلی را حل نمی‌کند . - لذا بهتر بود مرحوم شیخ(ره) از ابتدا اصلاً متعرض این جواب نشوند بلکه بفرمایند آیا این روایات که شما اخباریین می‌خواهید به آن استدلال کنید چه دلالتی بر مدعای شما دارد. مرحوم شیخ(ره) می‌فرماید این روایت ارتباطی به مدعای اخباریین ندارد ، بلکه این روایت در مقام نهی از مقدمات عقلیه ظنیه است . این روایت در مقام این است که از اینکه دیگران بر طبق ادله عقلیه ظنیه ، مثل قیاس و استحسان عمل کنند نهی میکند . این که می‌فرماید «لو ان رجلاً قام ليله و صام نهاره و حج دهره و تصدق بجميع ماله و لم يعرف ولاية ولي الله فتكون اعماله بدالته فيبالي ما كان له على الله ثواب» یعنی درمقابل اهل سنت که از راه مقدمات عقلیه ظنیه به احکام می‌رسیدند ، امام (ع) این را بیان می‌کند . مرحوم شیخ(ره) می‌فرماید قرینه بر ادعا و تفسیر ما این است که ببینیم در زمان ائمه(ع) چه چیزی متعارف بین مردم بوده ، در زمان ائمه(ع) آنچه که متعارف بوده همین بوده که به رأی و قیاس و استحسان عمل می‌کردند و اینها هم از ادله عقلیه ظنیه هستند. اما در آن زمان ، استدلال به حکم عقلی قطعی متعارف نبوده که ائمه(ع) بخواهند این همه اهمیت دهند و در مقابلش موضعگیری کنند و از آن نهی کنند . پس شیخ(ره) می‌فرماید که ما به قرینه اینکه متعارف در زمان ائمه(ع) عمل به مقدمات عقلیه ظنیه بوده ، این روایت را بر نهی بر همین معنا حمل می‌کنیم .

نقد استاد بر مرحوم شیخ(قده)

ما به شیخ(ره) عرض می‌کنیم آنچه که شما در تفسیر این روایت بیان فرمودید درست نیست ، زیرا در خود روایت مواردی ذکر شده که اصلاً نیاز به استدلال و مقدمات عقلیه ظنیه ندارد تا بگوییم امام(ع) در مقابل آنها نهی از عمل به مقدمات عقلیه ظنیه می‌کند . امام(ع) می‌فرماید «لو ان رجلاً قام ليله» نماز شب نیاز به استدلال ندارد ، نه استدلال عقلی قطعی می‌خواهد و نه استدلال عقلی ظنی می‌خواهد ، روزه يك امر واضحی بوده ، اصلاً نیازی به استدلال نداشته ، حج نیاز به استدلال نداشته ، صدقه هکذا. بنابر این ما اگر بخواهیم روایت را به نهی از عمل به رأی و قیاس و استحسانات ظنیه معنا کنیم ، با مورد خود روایت سازگاری ندارد . درست است که مورد مخصص نیست ، لکن این یک امر است ، اما اینکه در روایت يك میزانی ذکر شود آنگاه این میزان را طوری معنا کنیم که با مورد خود روایت سازگاری نداشته باشد این امر غیر صحیحی است . لذا اصلاً این روایت ارتباطی به نهی از عمل به قیاس و استحسان و مقدمات عقلیه ظنیه ندارد ، تا شما شاهد بگیرید که این مسأله در آن زمان متعارف بوده، مگر هرچیزی که در زمان ائمه(ع) متعارف بوده ما باید بلا فاصله روایت را بر همان حمل کنیم؟ بنابراین تفسیر مرحوم شیخ(قده) از این روایت، قابل مناقشه است .

فرمایش مرحوم شیخ(ره) در توضیح روایت

مرحوم شیخ(ره) در ادامه جواب اول می‌فرماید ؛ این که در این روایت فرموده «ما کان له علی الله ثواب» ، ما نمی‌توانیم به ظاهر آن عمل کنیم ، برای اینکه حسن صدقه ، از احکام عقلیه فطریه است ، اخباریین هم احکام عقلیه فطریه را قبول دارند ، پس چطور می‌شود امام(ع) بفرماید اگر صدقه داد مورد قبول نیست؟ می‌فرماید باید اینطور توجیه کنیم که «و تصدق بجمع ماله» یعنی جمیع مالش را به اهل سنه - بخاطر مخالفشان با ما - صدقه دهد .

نقد استاد بر فرمایش مرحوم شیخ(ره)

به نظر ما این فرمایش شیخ(قده) هم درست نیست . روایت می‌گوید حتی اگر اهل سنت به شیعه صدقه داد «ما کان له علی الله ثواب» ، اگر کسی ولایت ولی خدا را ندارد ، که می‌شود اهل سنت و مخالفین ، اگر به تمام اموالش صدقه داد چه به اهل سنت بدهد و چه به شیعه بدهد ، اگر به شیعه هم داد ، امام(ع) می‌فرماید چون این ولایت ندارد و صدقه‌اش از طریق ولایت نیست مورد قبول نیست . این بیان هم بیانی است که نمی‌توانیم بپذیریم که بگوییم مقصود امام (ع) این است که «تصدق بجمع ماله» یعنی «تصدق بالمخالفین» ، چون لازمه کلام شیخ(ره) این است که اگر يك سنی به شیعه صدقه دهد این باید ثواب داشته باشد ، در حالی که به نظر ما روایت می‌گوید این هم ثواب ندارد . بنابراین جواب اولی که شیخ(ره) دادند ، با این نکته دومی که فرمودند ، هردو محل اشکال است.

جواب دوم مرحوم شیخ(ره)

در جواب دوم می‌فرماید که اگر از شما اخباریین بپذیریم که این روایت دلالت می‌کند که در امتثال باید سماع از معصوم(ع) باشد ، معنای سماع این نیست که بشنویم ، بلکه یعنی معصوم بیان کرده و تصریح به آن کرده باشد . می‌فرماید ما يك روایتی داریم از پیامبر(ص) در حجة الوداع ، که حضرتش فرمودند «ما من شیء یقربکم الی الجنة الا امرکم به و ما من شیء یباعدکم عن النار الا نهیتکم عنه» ، پس معلوم می‌شود هرچه را که ما از طریق عقل استکشاف کنیم ، پیامبر(ص) در واقع بیان فرموده است. لذا می‌فرماید به ضمیمه این روایت ، بر فرضی که بگوییم روایت زرارة می‌گوید در امتثال باید وساطت حجت باشد ، اینجا طبق این بیان پیامبر(ص) ، در تمام این مواردی که ما از طریق عقل قطعی يك حکم شرعی را بدست می‌آوریم ، پیامبر(ص) بیان فرموده است .

نقد استاد بر جواب دوم

این جواب دوم هم قابل مناقشه است. اخباری نمی‌گوید مجرد بیان واقعی معصوم(ع) کافی است ، می‌گوید باید بیان معصوم(ع) به ما رسیده باشد، می‌گوید ما هر عملی را که بخواهیم انجام دهیم ، هر امتثالی را بخواهیم انجام دهیم، باید بیان معصوم(ع) رسیده باشد. مجرد بیان واقعی این مورد قبول اخباریین نیست.

شبهه دوم اخباریین

شبهه دوم که شیخ(قده) با «الا ان يدعی» بیان می کنند ؛ می فرمایند اگر اخباریین بگویند ما بحث امتثال و عدم امتثال نداریم ، بحث ما در این است که از روایات استفاده می کنیم اگر حجت ، واسطه در تبلیغ نباشد ، آن حکم اصلاً به فعلیت نمی رسد و در مرحله انشاء باقی می ماند . اخبار دلالت دارد بر این که «الاحکام تصیر فعلياً اذا بلغها الحجة و وصل اليها عن طرقها» ، اگر از طریق حجت به ما برسد فعلیت دارد . در نتیجه اگر از طریق «عقل» ، قطع به حکمی پیدا کردیم ، چون «عقل» حجت معصوم نیست ، آن حکم فعلیت ندارد .بعبارة اخرى اخباریین می گویند علم به صدور حکم در واقع برای ما کافی نیست ، باید يك حکمی انشاء شود و صادر شود ، بعد آن حکم از طریق حجت بما برسد . پس شبهه دوم اخباریین این است که؛ توسط الحجة - واسطه بودن حجت - را شرط در فعلیت احکام می دانیم.

جواب مرحوم شیخ(ره) از شبهه دوم

مرحوم شیخ(قده) در جواب می فرمایند اگر ظهور روایات در این مدعی را بپذیریم ، از باب تعارض نقل ظنی با عقل قطعی می شود ، یعنی نقل ظنی می گوید اگر يك حکمی از طریق عقل قطعی به شما رسید ، ما دامیکه وساطة الحجة نشده باشد اعتباری ندارد ، اما این می شود مدلول يك دلیل نقلی ظنی و اگر از طریق عقل قطعی به يك حکمی رسیدیم اینجا باهم تعارض می کنند و عقل قطعی مقدم می شود. این کلام مرحوم شیخ(ره) را ملاحظه کنید.مرحوم محقق نائینی(قده) روایات را در «اجود التقريرات» دو طایفه کرده و در «فوائد الاصول» سه طایفه کرده است . مرحوم شهید صدر(ره) روایات را پنج طایفه کرده است.